

بررسی و تحلیل سلامت اجتماعی و نقش آن در جامعه

ملیحه محمدی^۱ و ثمینه بهادری جهرمی^{۲*}

۱ گروه علوم اجتماعی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

۲ گروه علوم اجتماعی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

* (نویسنده مسؤل)

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی و تحلیل سلامت اجتماعی پرداخته می شود در واقع با تغییر تدریجی شیوه زندگی به دنبال پیشرفت تمدن، همانگونه که بشر از رفاه بیشتری برخوردار می شود عوارض و معضلاتی نیز رخ می نماید. زمانی انسانها به شیوه ای سنتی و ابتدائی زندگی می کردند و مسائل و مشکلات جمعی و روانی شان را نیز سنتی حل می کردند اما با تغییر شیوه زندگی به شکل امروزی و جدید گاهی مسائلی ایجاد می شود که حل آن از عهده بسیاری از افراد خارج است. همچنین بسیاری از بیماری های روانی و یا بدکارکردی های اجتماعی و فردی یا ناشناخته بودند و یا محلی از اعراب در این چنین جوامعی نداشتند. بروز بیماری های روانی و سیر تدریجی آن منجر به ایجاد رفتارها و عادت هایی در انسان می شود که بعضاً کنترل و ترک آن بسیار مشکل و گاهی غیر ممکن است. توجه به مسئله سلامت اجتماعی و کارکردی که در عملکرد فردی و به موازات آن بر جامعه می گذارد بیش از پیش مهم بوده و باید جدی گرفته شود.

واژه های کلیدی: سلامت اجتماعی، سلامت روانی، حمایت اجتماعی، جامعه

۱- مقدمه

تعریف سلامت اجتماعی از نظر لغوی

ریشه لغوی واژه انگلیسی «Health» در واژه‌های «health»، «haelp» به معنی کل و «haelen» (heal) انگلیسی قدیم و کلمه آلمانی قدیم «heilen» و «heilida» به معنی کل قرار دارد. گراهام (۱۹۹۲) این ریشه لغوی را با کلمات انگلیسی «halig» و آلمانی قدیم «heilig» که به معنی مقدس است ارتباط داده است. بنابراین از نظر ریشه شناسی لغوی به معنی کلیت داشتن یا مقدس بودن است بدین ترتیب شامل ویژگی‌های معنوی و فیزیکی است. از نظر سارتریوس سلامتی غیرقابل رویت است. و مستلزم تظاهر کارکرد بخش‌های مستقل روانی جسمی و اجتماعی است. مانی این رویکردهای کل‌نگر در مورد سلامتی را به کل جهان گسترش می‌دهد و سلامتی بشر را از سلامتی سیاره زمین جدایی‌ناپذیر می‌داند. بلوک و برسلو سلامت اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده‌اند. مفهوم سلامت اجتماعی با «درجه عملکرد اعضای جامعه» مترادف است. (لطیفی و موحدی، ۱۳۹۰) سلامت اجتماعی مفهوم انتزاعی و ارزیابی نسبی گری از روابط انسان با خود، جامعه و ارزش‌هایش است و نمی‌توان آن را جدای از سایر پدیده‌های چندعاملی فهمید که فرد را به موازاتی که در جامعه به عمل می‌پردازد، می‌سازند.

سابقه تاریخی سلامت اجتماعی:

سلامت اجتماعی واژه جدیدی نیست، بلکه مفهومی است که حدود ۴۰ سال پیش در کنار ابعاد جسمی و روانی سلامت مورد توجه قرار گرفته است. برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ مفهوم سلامت اجتماعی با «درجه عملکرد اعضای جامعه» مترادف شد و شاخص سلامت اجتماعی شکل گرفت.

کم کم با طرح پرسش‌هایی در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی، سلامت فردی و میزان فعالیت و عملکرد فرد در جامعه براساس این استدلال مطرح شد که سلامت امری فراتر از بیماری و قابلیت‌های کارکردی فرد است. (محمدنبی، ۱۳۸۹).
سنجش محتوای سلامت اجتماعی ابتدا از طریق تمرکز بر «فرد» و در ارتباط با تعاملات میان فردی (مثلاً دیدار با دوستان) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه‌ها) مورد سنجش قرار گرفت و در اندازه‌گیری آن، ارکان عینی (مثلاً تعداد دوستان) و ذهنی (مانند کیفیت روابط دوستانه) هر دو تعریف منظور شده بود. حوزه سلامت اجتماعی از سال‌های ۱۹۹۵ به بعد، علاوه بر نگرش کلی و عامی که بر کیفیت سلامت در میان تمام افراد دارد، در کشورهای صنعتی گرایش خاصی را در دو بعد سلامت روانی و نیز سلامت اجتماعی آغاز کرده است. به این ترتیب «ارتقای سلامت» دربرگیرنده زمینه‌های اقدام اجتماعی برای توسعه سطح سلامت است. ارتقای سطح سلامت براین اساس از ۲ طریق امکان پذیر است که از آن‌ها توسعه شیوه‌های سالم زندگی و اقدام اجتماعی برای سلامت است و دیگری ایجاد شرایطی است که زیستن در یک حیات سالم را امکان‌پذیر سازد.
موضوع اول دربرگیرنده توانمندسازی انسان‌ها از طریق آگاهی‌ها و مهارت‌های ضروری برای یک زندگی سالم است و موضوع دوم تأثیرگذاری بر سیاستگذاران به گونه‌ای است که سیاست‌های عمومی و برنامه‌های حامی سلامت عممی را در سطح جامعه پیگیری کنند که پیشگیری از انحرافات اجتماعی از گسترده‌ترین ارکان این بخش است.

سلامت اجتماعی یا سلامت روانی - اجتماعی

نکته مهم این است که ما نباید «سلامت اجتماعی» را با «اجتماع سالم» یا «جامعه سالم» اشتباه بگیریم، چرا که «سلامت اجتماعی» همان‌طور که گفته شد در کنار سلامت جسمانی و سلامت روان، به عنوان جزء لاینفک سلامت افراد تعریف شده است نه سلامت گروه‌ها و اشخاص. اینجاست که مقداری در تعریف «سلامت اجتماعی» اشکالات و ابهامات رخ می‌نماید. برای مثال سلامت جسمانی و سلامت روانی در افراد هم قابل تشخیص هم قابل تعریف و هم قابل اندازه‌گیری است، اما اصولاً سلامت اجتماعی یک فرد چیست؟ کجاست؟ و چگونه باید آن را تشخیص داد و اندازه‌گیری کرد؟ لذا این بعد سلامت بسیار مبهم و غیرملموس است، بنابراین برخی از محققان و پژوهشگران برای حل این مشکل به جای عبارت «سلامت اجتماعی» واژه «سلامت روانی-اجتماعی» را پیشنهاد کرده‌اند و در توصیف این واژه گفته‌اند که آن نوعی تطابق و

سازگاری فرد با محیط پیرامون خود است و در واقع با این توصیف می توان گفت بخش اجتماعی سلامت یک مفرد هم یک مولفه داخلی است.

سلامت اجتماعی از دیدگاه محققان و پژوهشگرانی که در آمریکا فعال هستند مقداری متفاوت است. آنان واژه «سلامت روانی-اجتماعی» را بر این واژه ترجیح داده اند و دلیل آن را هم قابل اندازه گیری شدن آن ذکر می کنند، اما محققان اروپایی کماکان بر همان واژه «سلامت اجتماعی» تاکید دارند. بهترین تعریفی که اروپاییان از این مفهوم ارائه داده اند عبارت است از «مبنای اصلی سلامت اجتماعی همان حمایت اجتماعی» (مفیدی، ۲۰۰۸).^۱

حمایت اجتماعی

از آنجا که از منظر صاحب نظران سلامت اجتماعی حمایت اجتماعی جزء مهمی از سلامت اجتماعی است، در اینجا به توضیح آن می پردازیم. از این دید، حمایت اجتماعی عبارت است از یک نوع معرفت و شناختی که فرد باور کند که او مورد محبت و احترام هست و به شبکه ای از ارتباط متعهدانه و متقابل تعلق دارد. در تعریف دیگر کوهن و سایم در سال ۱۹۸۵ «حمایت اجتماعی را به عنوان منابعی که توسط دیگران برای افراد فراهم می شود»، تعریف کرده اند.

انواع حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی دارای انواع مختلفی است، اما به طور کلی حمایت اجتماعی به سه گروه تقسیم می شود.

حمایت عاطفی، حمایت کاربردی و ابزاری و حمایت اطلاعاتی.

حمایت عاطفی: به مواردی که باعث می شود افراد احساس کنند مورد حمایت هستند. چنین حمایتی غالباً به شکل انواع غیرملموس است و کمک می کند که حس ارزش در افراد تقویت شود.

حمایت عملی: نوعی از پشتیبانی است که به انواع مختلف از کمک های ملموس که ممکن است توسط دیگران فراهم شود اشاره دارد. (مانند کمک در نگهداری بچه ها یا پرداخت کمک هزینه نقدی و ...)

پشتیبانی اطلاعاتی: پشتیبانی اطلاعاتی نشان دهنده نوع سوم حمایت اجتماعی (که گاهی اوقات در رده بندی شامل پشتیبانی عملی و گاهی درون دسته حمایت عاطفی) است و اشاره به کمکی دارد که دیگران ممکن است از طریق ارائه اطلاعات ارائه دهند (کوشی، ۱۹۸۵).^۲

سلامت اجتماعی را می توان در دو قالب زیر اندازه گیری کرد:

سنجه های شبکه های اجتماعی: تعداد مخاطبان، فراوانی تماس با آن ها، تراکم شبکه های اجتماعی (این سنجه تخمین می زند که چه قدر هر یک از اعضا در تماس با دیگر اعضای شبکه است).

سنجه های حمایت اجتماعی: حمایت عاطفی، حمایت عملی، تعاملات منفی (شواهد متقن نشان می دهد که جنبه های منفی از ارتباطات نزدیک می تواند تاثیر سویی بر سلامت اجتماعی افراد وارد آورد (والکوت، ۲۰۰۹).^۳

نقش سلامت اجتماعی در جامعه:

اشخاصی که از سلامت اجتماعی برخوردارند، با موفقیت بیشتری می توانند با چالش های ناشی از ایفای نقش های اصلی اجتماعی کنار بیایند؛ آنان در خانواده هایی زندگی می کنند که از ثبات و انسجام بیشتری برخوردار است و احتمالاً می توانند مشارکت بیشتری در فعالیت های جمعی داشته باشند. باید انتظار داشت تطابق آنان با هنجارهای اجتماعی بیشتر باشد، شرایطی که می تواند نقش مهمی در پیشگیری از انحراف که ابعادی فراتر از قلمرو رفتارهای فردی دارد، داشته باشد. مواد مخدر یکی از معضلات اجتماعی عمده در کشور ما محسوب می شود. اعتیاد از آن جهت که توان فعالیت و تولید اقتصادی و اجتماعی را از فرد سلب می کند، مسلماً آثار سوء بر زندگی فرد معتاد و خانواده وی بر جای می گذارد. تعداد بالای معتادان موجب توسعه قاچاق و درآمدزایی از راه های غیر متعارف و نامناسب می شود؛ اما این تنها یکی از جنبه های گسترش خشونت

1. Mofidi, 2008.

2. Koshy, 1985.

3. Walcot, 2009.

است که از طریق مواد مخدر ایجاد می شود. کارشناسان معتقدند دلیل بسیاری از قتل‌ها و خشونت‌ها می‌تواند مربوط به استفاده لحظه‌ای از انواع مواد مخدر و قرص‌های روانگردان باشد که بین جوانان و نوجوانان مشاهده هستیم. هرچند این قضیه را نمی‌توان به همه موارد تعمیم داد ولی در موارد زیادی، پرخاشگری‌ها و از دست دادن کنترل افراد و در نتیجه آن، آزار رساندن به دیگران می‌تواند به دلیل استفاده از این نوع مواد باشد، بویژه به نظر می‌رسد در قتل‌های فجیع که صورت می‌گیرد، می‌توان ردپای استفاده از مواد مخدر را دید (الیس، ۱۹۸۸)۴.

با توجه به حوادث سال جاری و سال‌های گذشته و آماري که سازمان پزشکی قانونی درباره کاربرد سلاح سرد و قتل افراد به وسیله آن اعلام کرده ملاحظه می‌شود که افزایش خشونت و کاهش آستانه تحمل از عوامل اصلی وقایع تاسف‌آور ماه‌های اخیر است. از آنجا که وقوع بعضی قتل‌ها بدون مقدمه قبلی و فاقد نیت و برنامه ریزی از قبل بوده است، پرخاشگری لحظه و خروج کنترل رفتار، عوامل اصلی آن‌ها قلمداد می‌شود. استفاده از مواد مخدر یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد این خشونت‌های لحظه‌ای غیرقابل کنترل محسوب می‌شود.

سلامت اجتماعی یکی از عوامل مهم و اساسی در رشد و شکوفایی انسان‌هاست که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران امور تربیتی قرار گرفته است. سلامت اجتماعی به معنای چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کند است. افراد با بررسی نحوه‌ی کنار آمدن با استانداردها و ارزش‌های موردنظر خود و مقایسه‌ی چگونگی عملکرد خود با دیگران در جامعه به این قضاوت می‌پردازند. سلامت اجتماعی چگونگی احساس خود درباره‌ی خود است و بر همه‌ی افکار، ادراکات، هیجانات، آرزوها، ارزش‌ها و اهداف شخصی نفوذ دارد و کلید رفتار آدمی

می‌باشد. بنابراین، سلامت اجتماعی هسته‌ی مرکزی ساختارهای روانشناختی فرد است که وی را در برابر اضطراب محافظت نموده و آسایش خاطر وی را فراهم می‌آورد. سلامت اجتماعی نقش محافظت‌کننده‌ای در مقابله با فشارهای روانی دارد که از فرد در مقابل وقایع فشار آور منفی زندگی اجتماعی حمایت می‌کند. فردی که از سلامت اجتماعی بالایی برخوردار است، به راحتی قادر است با تهدیدها و وقایع فشارآور بیرونی بدون تجربه‌ی برانگیختگی منفی و از هم پاشیدگی سازمان درونی روانی مواجه شود. سلامت اجتماعی پائین به عنوان عامل خطر برای پرخاشگری، بزهکاری، سوء مصرف مواد، افسردگی، عملکرد ضعیف تحصیلی، همسر آزاری، کودک آزاری و نظایر آن مشاهده شده است. اخیراً برخی سیاستمداران و مسئولان مدارس پیشنهاد کرده‌اند که مدارس و دیگر مؤسسات اجتماعی باید برنامه‌هایی برای ارتقای سلامت اجتماعی افراد طراحی کنند. این پیشنهاد بر این فرض استوار است که سلامت اجتماعی علت و نه معلول مشکلات اجتماعی است، مستقل از موقعیت‌های خاص وجود دارد و می‌تواند با مداخلات خارجی ارزیابی شود.

بی‌تردید سلامت اجتماعی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین جنبه‌های شخصیت و تعیین‌کننده ویژگی‌های رفتاری ما است. توجه به این امر، به ویژه در مورد کودکان دارای نیازهای آموزشی ویژه و نیز کسانی که به آن‌ها آموزش می‌دهند، از اهمیت خاصی برخوردار است. سلامت اجتماعی به مانند یک سرمایه‌ی ارزشمند حیاتی از مهمترین عوامل پیشرفت و شکوفایی استعداد و خلاقیت افراد در جامعه می‌باشد (ولی زاده و همکاران، ۱۳۸۷).

کلیز مفهوم سلامت اجتماعی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

سلامت اجتماعی عبارت است از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در جامعه.

فرد سالم از نظر اجتماعی جامعه را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی دانسته و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهیم است. همان‌طور که از تعارف بالا می‌توان دریافت بین سلامت روانی و سلامت اجتماعی همبستگی مثبتی وجود دارد همچنین نتایج مطالعات نشان داده‌اند که معیارهای (مقیاس‌های) سلامت اجتماعی همبستگی مثبت با معیارهای سلامت روانی دارند.

4. Ellis, 1988.

اما باید توجه کرد که میزان سلامت روانی بیانگر رضایت و عملکرد مثبت فرد در ارتباط با زندگی به معنای کلی (نه فقط زندگی اجتماعی) است. ابعاد سلامت روانی یک بازتاب درونی از سازگاری فرد و دیدگاهش نسبت به زندگی را ارائه می دهد. سلامت روانی بیانگر بعد خصوصی و شخصی ارزیابی های عملکرد فرد است درحالی که سلامت اجتماعی بیشتر به ابعاد اجتماعی و عمومی که افراد توسط آن عملکردشان را در زندگی ارزیابی می کنند توجه می کند. در حقیقت سلامت اجتماعی شامل عناصر متعددی است که این عناصر در کنار یکدیگر نشان می دهند که چگونه و در چه درجه ای افراد در زندگی اجتماعی خود خوب عمل می کنند. به عنوان مثال در نقش همشهری، همکار، همسایه و ... محتوای مقیاس سلامت اجتماعی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجاربش در جامعه است. این مقیاس جدید با مقیاس های سلامت اجتماعی در سطح بین فردی (پرخاشگری و حمایت اجتماعی) و سطح اجتماعی (فقر و طبقه اجتماعی) تفاوت دارد (دورکیم، ۱۹۵۱).

مولفه ها و معیارهای مهمی که ابعاد سلامت اجتماعی را در مطالعه ملی خط متوسط بنیاد مک آرتور اندازه گیری می کنند عبارتند از شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی.

در بهترین توصیف از سلامت اجتماعی گفته شده است که سلامت اجتماعی عبارت است از آن بخش از سلامت افراد که نه جسمانی است و نه به سلامت روان آنها مربوط است، اما همان گونه که ملاحظه می شود این توصیف چیز زیادی به دست نمی دهد. به هر حال این مفهوم از زمان پیدایش تا به امروز همچنان مورد بحث در ادبیات علوم سلامت و همچنین مورد بحث و کنکاش پژوهشگران و محققان است.

نکته مهم این که چرا «سازمان جهانی سلامت» سلامت اجتماعی را بخشی از سلامت افراد تلقی کرده است، این است که گفته می شود با توجه به فضای تاریخی تولد این تعریف از سلامت که مصادف بوده است با اتمام جنگ جهانی دوم، با گنجاندن واژه «سلامت اجتماعی» کسانی که این تعریف را ابداع کرده اند، خواسته اند نوعی جهت گیری ضد جنگ را ترویج کنند. به عبارت دیگر این تعریف در فضایی به وجود آمده است که پیام آور نوعی هشدار به سیاست مداران و دولت مردان بوده است تا توجه کنند که سلامت انسان ها تنها به جسم و روان آنها محدود نمی شود و باید به «سلامت اجتماعی» آنها، یعنی نوعی از محیط زندگی آرام و بدون دغدغه نیز توجه داشته باشد، اما با درک این فضا هم علی الظاهر باز مفهوم «سلامت اجتماعی» ابهام خود را از دست نمی دهد. به هر حال ما باید تلاش کنیم تا به نحوی درک خویش را از سلامت اجتماعی دقیق تر کنیم (لی، ۱۹۹۱)۵.

سلامت اجتماعی، شیوه سازگاری آدمی با دنیاست. انسان هایی که موثر، شاد و راضی هستند و حالت یکنواختی خلق رفتار ملاحظه گرانه و گرایش شاد را حفظ می کنند. سلامت اجتماعی عنوان و برچسبی است که دیدگاه ها و موضوعات مختلف مانند: وجود علایم احساسات مرتبط با بهزیستی اخلاقی و معنوی و مانند آن را دربرمی گیرد.

یکی از موضوعات مهم مورد توافق نظریه پردازان روانشناسی عملکرد مهم خود در فرآیند سلامت اجتماعی است. اگرچه امروزه، این نظریه پردازان در مورد کانونی بودن خود و اهمیت آن در فرآیند سلامت اجتماعی توافق دارند، دیدگاه های مختلف روان شناسی تعاریف مختلفی از خود ارائه می دهند. در زمان های مختلف توجه به خود دستخوش تغییراتی گشته است. اگرچه در بعضی از زمان ها مطالعات روی خود مورد غفلت قرار گرفته اند، در دهه های اخیر این مفهوم بار دیگر مورد توجه فراوان روان شناسان قرار گرفته است. (لطیفی و موحدی، ۱۳۹۰)

نتیجه گیری: سلامت اجتماعی یعنی هماهنگی بین ارزش ها، علایق ها و نگرش ها در حوزه عمل افراد در جامعه و در نتیجه برنامه ریزی واقع بینانه برای زندگی و تحقق هدفمند مفاهیم زندگی است. سلامت اجتماعی، سلامت جسم نیست بلکه به دیدگاه و سطح روانشناختی ارتباطات فرد و محیط اشاره دارد. بخش مرکزی سلامت، سلامت اجتماعی و سلامت روانی افراد است زیرا تمامی تعاملات مربوط به سلامتی به وسیله روان انجام می شود. سلامت اجتماعی ظرفیت کامل زندگی کردن به

5. Lee, 1991.

شیوه‌ای است که ما را قادر به درک ظرفیت‌های طبیعی خود می‌کند و به جای جدا کردن ما از سایر انسان‌هایی که دنیای ما را می‌سازند، نوعی وحدت بین ما و دیگران به وجود می‌آورد. سلامت اجتماعی، توانایی عشق ورزیدن و خلق کردن است، نوعی حس هویت بر تجربه خود به عنوان موضوع و عامل قدرت فرد، که همراه است یا درک واقعیت درون و بیرون از خود و رشد واقع بینی و استدلال در کنش‌ها و تعاملات اجتماعی.

منابع:

1. Lee, W, (1991). Proposition and tourism in South East Asia, in Reddift, N. and Sinclair, T. M (eds), Working women: International perspectives on labour and gender ideology, London: Routledg.
 - 2.
 3. Ellis. A. doubson. (1988) How to live with and without anger New york: Reasers Digestpress.
 4. Koshy, T.K. (1985). Revision Notes on Psychiatry. 3ed, Bangalore MacMillan:
 5. Mofidi, N. Ghazinoor, M, M. Rastea, Jacobsson. L. & J. Richter (2008). General Mental Health, Quality OF Life and Suicide Related Attitudes Among Kurdish People in Iran, International Journal of Social Psychiatry, Vol.54, N.5
 6. WalcotJ Learn Disabil (2009), The Mental Health of Canadians With Self-Reported Learning Disabilities, Journal of Learning Disabilities, Vol. 42, N.1,
- ۷- محمدنبی م، ۱۳۸۹. سلامت اجتماعی و قلمرو آن، موسسه تحقیقات بهبود زندگی زنان.
- ۷- لطیفی غ، موحدی ا، ۱۳۹۰. بررسی رابطه بین سلامت اجتماعی و شاخص‌های آن بر میان کیفیت زندگی بر روی کارکنان بانک ملی شهر تهران.